

تحلیل تأثیر نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی بر توسعه مهارت‌های گروهی

۱. امید خسروی زاده*: دانشکده برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

این مطالعه به بررسی تأثیر نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی بر توسعه مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان پرداخته است. نظریه ویگوتسکی بر نقش تعاملات اجتماعی و نقش معلم به عنوان تسهیل‌گر در فرآیند یادگیری تأکید می‌کند و اهمیت منطقه تقریبی توسعه (ZPD) را در تقویت یادگیری مؤثر مورد توجه قرار می‌دهد. این تحقیق از طریق تحلیل توصیفی نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های مشارکتی در گروه‌ها به بهبود مهارت‌های گروهی مانند ارتباطات، حل مسئله، و مدیریت تعارض کمک می‌کند. نقش معلم در هدایت و حمایت از دانش‌آموزان در محدوده ZPD نیز بررسی شده و نشان می‌دهد که بازخوردهای هدفمند و حمایت‌های سازنده می‌تواند بهبود قابل توجهی در دینامیک گروه و مهارت‌های گروهی ایجاد کند. نتایج این تحقیق به تأثیرات عملی استفاده از استراتژی‌های یادگیری مشارکتی در محیط‌های آموزشی اشاره می‌کند و پیشنهاد می‌کند که این رویکردها نه تنها به توسعه فردی کمک می‌کند، بلکه مهارت‌های جمعی لازم برای موفقیت در محیط‌های آکادمیک و حرفه‌ای را نیز تقویت می‌کند. این مطالعه همچنین به شناسایی نقاط ضعف پژوهش‌های قبلی پرداخته و پیشنهادهایی برای مطالعات آینده ارائه می‌دهد تا تأثیرات بلندمدت یادگیری مشارکتی بر توسعه مهارت‌های گروهی را بررسی کنند.

واژگان کلیدی: ویگوتسکی، یادگیری مشارکتی، مهارت‌های گروهی، تعاملات اجتماعی، منطقه تقریبی توسعه، نقش معلم

مقدمه

نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی، یکی از مهم‌ترین نظریه‌های آموزشی است که تأثیر عمیقی بر رویکردهای آموزشی در سراسر جهان داشته است. این نظریه که توسط لو ویگوتسکی، روان‌شناس و متفکر شوروی در اوایل قرن بیستم مطرح شد، بر این ایده استوار است که یادگیری یک فرآیند اجتماعی است و تعاملات میان افراد در محیط‌های آموزشی نقش کلیدی در تسهیل یادگیری دارند (Daniels, 2001). ویگوتسکی به ویژه به مفهوم «منطقه تقریبی توسعه» (ZPD) اشاره می‌کند که بیانگر فاصله بین آنچه که یک فرد به تنهایی قادر به انجام آن است و آنچه که می‌تواند با کمک دیگران انجام دهد، می‌باشد. این مفهوم نشان‌دهنده این است که یادگیری نه تنها یک فرآیند فردی، بلکه یک فرآیند جمعی است که از طریق تعاملات اجتماعی با دیگران تقویت می‌شود (Vygotsky, 1978).

نظریه ویگوتسکی در زمینه‌های مختلف آموزشی، از آموزش ابتدایی تا آموزش عالی، به عنوان یک رویکرد مؤثر در بهبود فرآیندهای یادگیری به کار گرفته شده است. این نظریه به ویژه در آموزش مهارت‌های گروهی و اجتماعی که نیاز به همکاری و مشارکت فعال دانش‌آموزان دارد، تأثیرگذار بوده است. به عنوان مثال، در بسیاری از مدارس و دانشگاه‌ها، از این نظریه به عنوان مبنایی برای طراحی برنامه‌های آموزشی استفاده می‌شود که هدف آنها توسعه مهارت‌های ارتباطی، همکاری و حل مسئله در میان دانش‌آموزان است (Johnson & Johnson, 1999). این برنامه‌ها معمولاً شامل فعالیت‌های گروهی، بحث‌های کلاسی و پروژه‌های مشترک است که در آنها دانش‌آموزان مجبور به همکاری و تبادل نظر با یکدیگر هستند.

علاوه بر این، اهمیت نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی در آموزش به دلیل تأکید آن بر اهمیت فرهنگی و تاریخی یادگیری است. ویگوتسکی معتقد است که یادگیری همواره در یک بستر فرهنگی و تاریخی خاص رخ می‌دهد و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بر فرآیند یادگیری نقش حیاتی دارند. این دیدگاه به ویژه در جوامع چندفرهنگی که در آنها تفاوت‌های فرهنگی و زبانی میان دانش‌آموزان وجود دارد، بسیار ارزشمند است. بر اساس این نظریه، معلمان باید توجه ویژه‌ای به نیازها و تجارب فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان داشته باشند و فرآیند یادگیری را به گونه‌ای طراحی کنند که این تفاوت‌ها را مدنظر قرار دهد (Moll, 2014).

برخی از مطالعات نشان داده‌اند که استفاده از روش‌های یادگیری مشارکتی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان داشته باشد. به عنوان مثال، تحقیقات انجام شده توسط صالحی (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های گروهی بر اساس نظریه ویگوتسکی شرکت کرده‌اند، توانایی بهتری در حل مسائل گروهی، برقراری ارتباط مؤثر و همکاری با دیگران نشان داده‌اند. با این حال، همچنان شکاف‌هایی در پژوهش‌های موجود وجود دارد که نیازمند بررسی بیشتر است. به طور خاص، نیاز به مطالعاتی که به طور سیستماتیک تأثیرات مختلف این نظریه را بر توسعه مهارت‌های گروهی در شرایط و زمینه‌های مختلف بررسی کنند، وجود دارد.

یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه، تطبیق نظریه ویگوتسکی با نیازها و شرایط آموزشی معاصر است. به رغم اهمیت این نظریه در آموزش، برخی از پژوهشگران معتقدند که این نظریه نیاز به بازنگری و تطبیق با شرایط جدید دارد تا بتواند به طور مؤثر در توسعه مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان مؤثر باشد (Rogoff, 2003). به عنوان مثال، تغییرات در فناوری‌های آموزشی و افزایش استفاده از ابزارهای دیجیتال در آموزش، نیاز به روش‌های جدیدی دارد که بتواند از پتانسیل‌های یادگیری مشارکتی در محیط‌های دیجیتال بهره‌برداری کند.

در نهایت، این مسئله که چگونه می‌توان نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی را به گونه‌ای به کار گرفت که همزمان با توسعه مهارت‌های فردی و گروهی، به نیازهای متنوع و پیچیده دانش‌آموزان پاسخ دهد، یکی از مسائل اساسی در آموزش معاصر است. این مسئله نیازمند بررسی عمیق‌تر و تحلیل‌های دقیق‌تری است که در این مقاله تلاش می‌شود به آن پرداخته شود.

هدف اصلی این مطالعه، تحلیل تأثیر نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی بر توسعه مهارت‌های گروهی است. در این راستا، تلاش می‌شود تا با بررسی دقیق مبانی نظری و مفهومی این نظریه، و همچنین تحلیل مطالعات پیشین، نقش و تأثیر آن بر فرآیند یادگیری گروهی به طور جامع بررسی شود. به عبارت دیگر، این مطالعه به دنبال ارائه یک تصویر کلی از چگونگی تأثیرگذاری نظریه ویگوتسکی بر توسعه مهارت‌های گروهی و شناسایی عواملی است که ممکن است این تأثیر را تقویت یا تضعیف کنند. از جمله اهداف خاص این مطالعه می‌توان به بررسی نقش تعاملات اجتماعی در توسعه مهارت‌های گروهی، تحلیل نقش معلم به عنوان تسهیل‌گر در فرآیند یادگیری مشارکتی، و بررسی تأثیر منطقه تقریبی توسعه (ZPD) بر یادگیری گروهی اشاره کرد. همچنین، این مطالعه به دنبال شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های استفاده از نظریه ویگوتسکی در محیط‌های آموزشی معاصر و پیشنهاد راهکارهایی برای بهبود فرآیند آموزش بر اساس این نظریه است. در نهایت، این مطالعه سعی دارد به سوالات زیر پاسخ دهد: (۱) نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی چگونه می‌تواند به توسعه مهارت‌های گروهی در دانش‌آموزان کمک کند؟ (۲) چه عواملی می‌توانند تأثیر این نظریه را بر یادگیری گروهی تقویت یا تضعیف کنند؟ (۳) چگونه می‌توان از این نظریه به طور مؤثر در محیط‌های آموزشی معاصر بهره‌برداری کرد؟

روش‌شناسی پژوهش

در این مطالعه مروری، روش تحلیل توصیفی به عنوان رویکرد اصلی برای بررسی تأثیر نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی بر توسعه مهارت‌های گروهی مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل توصیفی یک روش کیفی است که به منظور فهم و تفسیر پدیده‌های مورد مطالعه از طریق توصیف دقیق و جامع آنها به کار می‌رود. در این مطالعه، هدف اصلی، تحلیل دقیق و سیستماتیک مفاهیم و اصول نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی و بررسی چگونگی تأثیرگذاری این مفاهیم بر فرآیند توسعه مهارت‌های گروهی است.

ابتدا، به منظور فراهم آوردن پایه‌های نظری و مفهومی لازم، مروری بر ادبیات موجود در زمینه نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی و مهارت‌های گروهی انجام شده است. این مرور ادبیات به ما کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع مقاله، شامل منطقه تقریبی توسعه (ZPD)، نقش تعاملات اجتماعی در یادگیری، و توسعه مهارت‌های گروهی داشته باشیم.

همچنین، با بررسی مقالات و پژوهش‌های پیشین، نقاط قوت و ضعف آنها شناسایی شده و سعی شده است که از این تحلیل‌ها به عنوان راهنمایی برای انجام تحقیق حاضر استفاده شود.

پس از ایجاد پایه‌های نظری، روش تحلیل توصیفی به کار گرفته شده است تا تأثیر نظریه ویگوتسکی بر توسعه مهارت‌های گروهی به طور جامع بررسی شود. در این بخش، تمرکز بر روی تجزیه و تحلیل چگونگی تأثیر تعاملات اجتماعی بر یادگیری گروهی و همچنین نقش معلم به عنوان تسهیل‌گر در فرآیند یادگیری مشارکتی است. تحلیل توصیفی در اینجا با استفاده از مطالعه دقیق و تفسیر یافته‌های مرتبط با موضوع، امکان فهم بهتر و جامع‌تر از چگونگی تأثیر این نظریه بر توسعه مهارت‌های گروهی را فراهم می‌کند.

مبانی نظری

نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی یکی از برجسته‌ترین نظریه‌های روان‌شناسی آموزشی است که تأثیرات گسترده‌ای بر رویکردهای آموزشی و تربیتی در سراسر جهان داشته است. این نظریه توسط لو سیمونوویچ ویگوتسکی، روان‌شناس شوروی، در اوایل قرن بیستم توسعه یافت و بر این اصل تأکید دارد که یادگیری یک فرآیند اجتماعی است که در خلال تعاملات میان افراد و در بستر فرهنگی و تاریخی رخ می‌دهد (Daniels, 2001). به عبارت دیگر، ویگوتسکی معتقد است که یادگیری فردی همواره تحت تأثیر روابط اجتماعی و فرهنگی است که فرد در آنها قرار دارد.

یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه ویگوتسکی، مفهوم منطقه تقریبی توسعه (ZPD) است. ZPD به فاصله بین آنچه که یک فرد به تنهایی قادر به انجام آن است و آنچه که با کمک دیگران می‌تواند انجام دهد، اشاره دارد (Vygotsky, 1978). این مفهوم نشان‌دهنده این است که یادگیری به طور مؤثر در جایی رخ می‌دهد که فرد قادر به انجام وظایف و حل مشکلات با کمک دیگران باشد. ویگوتسکی بر این باور بود که معلمان و همسالان می‌توانند از طریق راهنمایی و حمایت در این منطقه، به گسترش دانش و مهارت‌های فرد کمک کنند. این رویکرد نشان می‌دهد که یادگیری نه تنها یک فرآیند فردی، بلکه یک فرآیند جمعی است که از طریق تعاملات اجتماعی تقویت می‌شود (Kozulin, 2003).

نقش تعاملات اجتماعی در یادگیری، یکی دیگر از جنبه‌های مهم نظریه ویگوتسکی است. او معتقد بود که یادگیری به طور اساسی در بستر تعاملات اجتماعی رخ می‌دهد و دانش‌آموزان از طریق گفتگو، بحث و همکاری با دیگران یاد می‌گیرند. این دیدگاه بر اهمیت تعاملات میان دانش‌آموزان و میان دانش‌آموزان و معلمان تأکید دارد (Daniels, 2008). در این رویکرد، دانش‌آموزان به عنوان کنشگران فعال در فرآیند یادگیری دیده می‌شوند که از طریق تبادل دانش و تجربیات با یکدیگر و با راهنمایی معلم، به توسعه مهارت‌ها و دانش خود می‌پردازند.

نقش معلم در نظریه ویگوتسکی نیز به عنوان تسهیل‌گر فرآیند یادگیری بسیار حیاتی است. برخلاف رویکردهای سنتی که معلم را به عنوان منبع اصلی دانش و دانش‌آموزان را به عنوان گیرندگان منفعل اطلاعات می‌دیدند، ویگوتسکی بر نقش فعال معلم به عنوان راهنما و تسهیل‌گر تأکید دارد (Rogoff, 2003). معلم در این نقش، به هدایت و حمایت از دانش‌آموزان در منطقه تقریبی

توسعه می‌پردازد و به آنها کمک می‌کند تا از طریق مشارکت در فعالیت‌های گروهی و اجتماعی، دانش و مهارت‌های جدیدی کسب کنند. این دیدگاه بر اهمیت توجه به نیازهای فردی دانش‌آموزان و تطبیق فرآیند یادگیری با سطح توانایی و تجارب آنها تأکید دارد. در مجموع، نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی بر این اصل استوار است که یادگیری یک فرآیند اجتماعی است که در خلال تعاملات میان افراد و در بستر فرهنگی و تاریخی خاص رخ می‌دهد. این نظریه با ارائه مفاهیمی چون منطقه تقریبی توسعه و تأکید بر نقش تعاملات اجتماعی و معلم به عنوان تسهیل‌گر، یک چارچوب نظری قوی برای فهم و تحلیل فرآیندهای یادگیری در محیط‌های آموزشی فراهم می‌کند.

مهارت‌های گروهی به مجموعه‌ای از توانایی‌ها و قابلیت‌ها اشاره دارد که افراد را قادر می‌سازد به طور مؤثر در گروه‌ها و تیم‌ها همکاری کنند. این مهارت‌ها شامل توانایی‌های ارتباطی، حل مسئله، تصمیم‌گیری مشترک، مدیریت تعارض، و هماهنگی با دیگران است (Salas, Reyes, & McDaniel, 2018). توسعه مهارت‌های گروهی از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا این مهارت‌ها نه تنها برای موفقیت در محیط‌های آموزشی، بلکه برای عملکرد مؤثر در محیط‌های شغلی و اجتماعی نیز ضروری هستند.

در نظام‌های آموزشی، توسعه مهارت‌های گروهی به عنوان یکی از اهداف اصلی تربیت و آموزش در نظر گرفته می‌شود. این مهارت‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا به طور مؤثر با همسالان خود در فعالیت‌های گروهی همکاری کنند، نظرات خود را به طور واضح و مؤثر بیان کنند، به نظرات دیگران گوش دهند و در نهایت به تصمیمات مشترک برسند (Johnson & Johnson, 2009). به علاوه، مهارت‌های گروهی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا توانایی‌های خود را در زمینه حل مسئله و مدیریت تعارضات در گروه بهبود بخشند که این امر برای موفقیت در محیط‌های کاری و اجتماعی آتی بسیار مهم است.

توسعه مهارت‌های گروهی نیازمند یک رویکرد ساختاریافته و برنامه‌ریزی شده است که در آن دانش‌آموزان فرصت‌هایی برای شرکت در فعالیت‌های گروهی متنوع و چالش‌برانگیز داشته باشند. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل پروژه‌های گروهی، بحث‌های کلاسی، کارگاه‌های آموزشی و بازی‌های گروهی باشند که در آنها دانش‌آموزان به همکاری با یکدیگر و تبادل نظرات می‌پردازند (Slavin, 2015). این فرآیند نه تنها به توسعه مهارت‌های گروهی کمک می‌کند، بلکه به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا از طریق تجربه‌های عملی، دانش و مهارت‌های جدیدی کسب کنند.

یکی از چالش‌های اساسی در توسعه مهارت‌های گروهی، ایجاد محیط‌هایی است که در آنها دانش‌آموزان احساس راحتی و امنیت کنند تا بتوانند به طور فعال در فعالیت‌های گروهی شرکت کنند. به علاوه، نقش معلم در هدایت و تسهیل فرآیندهای گروهی بسیار مهم است. معلمان باید به عنوان راهنما و تسهیل‌گر عمل کنند و به دانش‌آموزان کمک کنند تا از طریق تعاملات گروهی، مهارت‌های ارتباطی و همکاری خود را بهبود بخشند (Gillies, 2016). این امر نیازمند آموزش معلمان در زمینه روش‌های تدریس مشارکتی و ایجاد محیط‌های یادگیری حمایتی و فراگیر است.

توسعه مهارت‌های گروهی همچنین با چالش‌هایی همراه است که نیاز به مدیریت دقیق دارند. به عنوان مثال، اختلافات میان اعضای گروه، تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، و تفاوت‌های شخصیتی می‌توانند به موانعی در فرآیند همکاری گروهی تبدیل شوند (Smith et al., 2018). در این راستا، استفاده از روش‌های آموزشی که بر تعاملات مثبت و همکاری مؤثر تأکید دارند، می‌تواند به کاهش این چالش‌ها و بهبود فرآیند توسعه مهارت‌های گروهی کمک کند.

ارتباط بین نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی و توسعه مهارت‌های گروهی، یکی از جنبه‌های مهم و بحث‌برانگیز در پژوهش‌های آموزشی است. نظریه ویگوتسکی با تأکید بر اهمیت تعاملات اجتماعی و نقش معلم به عنوان تسهیل‌گر، یک چارچوب نظری قوی برای فهم و تحلیل فرآیند توسعه مهارت‌های گروهی ارائه می‌دهد (Moll, 2014). بر اساس این نظریه، مهارت‌های گروهی از طریق تعاملات اجتماعی و همکاری میان دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی توسعه می‌یابند. به عبارت دیگر، فرآیند یادگیری گروهی که در بستر تعاملات اجتماعی رخ می‌دهد، به توسعه مهارت‌های گروهی کمک می‌کند.

یکی از مفاهیم کلیدی نظریه ویگوتسکی که با توسعه مهارت‌های گروهی ارتباط مستقیم دارد، منطقه تقریبی توسعه (ZPD) است. ZPD به عنوان فاصله بین آنچه که یک فرد به تنهایی قادر به انجام آن است و آنچه که با کمک دیگران می‌تواند انجام دهد، نقش مهمی در فرآیند یادگیری گروهی ایفا می‌کند (Vygotsky, 1978). در این زمینه، همکاری و تعامل میان اعضای گروه می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا از طریق حمایت و راهنمایی دیگران، مهارت‌های جدیدی را کسب کنند و توانایی‌های خود را در زمینه‌های مختلف توسعه دهند. به عنوان مثال، وقتی دانش‌آموزان در یک فعالیت گروهی شرکت می‌کنند، آنها از تجربیات و دانش یکدیگر بهره‌مند می‌شوند و از طریق همکاری و تبادل نظر، مهارت‌های ارتباطی و همکاری خود را بهبود می‌بخشند (Daniels, 2008).

نقش معلم در این فرآیند نیز بسیار حائز اهمیت است. بر اساس نظریه ویگوتسکی، معلم به عنوان تسهیل‌گر، نقش اساسی در هدایت و حمایت از دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری گروهی ایفا می‌کند (Rogoff, 2003). معلم با فراهم کردن محیط‌های یادگیری حمایتی و تعامل محور، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به طور فعال در فعالیت‌های گروهی شرکت کنند و از طریق همکاری با دیگران، مهارت‌های گروهی خود را توسعه دهند. به علاوه، معلم می‌تواند با ارائه بازخورد و راهنمایی‌های مناسب، به دانش‌آموزان کمک کند تا درک بهتری از نقش‌ها و مسئولیت‌های خود در گروه پیدا کنند و به طور مؤثرتری با همسالان خود همکاری کنند.

مطالعات نشان داده‌اند که استفاده از روش‌های آموزشی مبتنی بر نظریه ویگوتسکی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر توسعه مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان داشته باشد. به عنوان مثال، پژوهش‌های انجام شده توسط احمدی و همکاران (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های یادگیری مشارکتی بر اساس نظریه ویگوتسکی می‌تواند بهبود قابل توجهی در مهارت‌های ارتباطی و همکاری دانش‌آموزان ایجاد کند. همچنین، تحقیقات دیگری که توسط سعیدی (۱۳۹۷) انجام شده است، نشان می‌دهد که این روش‌ها می‌توانند به توسعه مهارت‌های حل مسئله و مدیریت تعارض در گروه‌های دانش‌آموزی کمک کنند.

در نهایت، ارتباط بین نظریه یادگیری مشارکتی و وِگوتسکی و توسعه مهارت‌های گروهی نشان‌دهنده این است که فرآیند یادگیری گروهی که در بستر تعاملات اجتماعی و با هدایت معلم رخ می‌دهد، می‌تواند به طور قابل توجهی به توسعه مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان کمک کند. این ارتباط همچنین نشان‌دهنده این است که استفاده از روش‌های آموزشی مبتنی بر این نظریه می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و توسعه مهارت‌های اجتماعی و گروهی در محیط‌های آموزشی منجر شود.

تحلیل و تفسیر

تعاملات اجتماعی یکی از عوامل کلیدی در فرآیند یادگیری گروهی به شمار می‌رود. بر اساس نظریه یادگیری مشارکتی وِگوتسکی، یادگیری به طور اساسی در بستر تعاملات اجتماعی رخ می‌دهد و این تعاملات به طور مستقیم بر توسعه مهارت‌های گروهی تأثیر می‌گذارند. وِگوتسکی بر این باور است که افراد از طریق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و تعامل با دیگران، توانایی‌های خود را توسعه می‌دهند و مهارت‌های جدیدی کسب می‌کنند (Daniels, 2001). این دیدگاه به ویژه در یادگیری گروهی که نیازمند همکاری و هماهنگی میان اعضای گروه است، اهمیت دارد.

تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که تعاملات اجتماعی میان دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی، می‌تواند به بهبود مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله و تصمیم‌گیری مشترک منجر شود. به عنوان مثال، پژوهشی که توسط حسینی و همکاران (۱۳۹۸) انجام شده است، نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی در گروه‌های یادگیری به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا از طریق تبادل نظر و بحث‌های گروهی، به درک عمیق‌تری از مفاهیم درسی دست یابند و مهارت‌های همکاری و ارتباطی خود را بهبود بخشند. این پژوهش همچنین نشان داد که تعاملات مثبت میان اعضای گروه می‌تواند به تقویت اعتماد به نفس و افزایش انگیزه در یادگیری منجر شود.

یکی از دلایل اصلی تأثیر مثبت تعاملات اجتماعی بر یادگیری گروهی، فراهم آوردن فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان است تا نظرات و دیدگاه‌های مختلف را بشنوند و از تجربیات یکدیگر بهره‌مند شوند. این فرآیند می‌تواند به توسعه تفکر انتقادی و توانایی حل مسئله کمک کند، زیرا دانش‌آموزان با مواجهه با چالش‌ها و نظرات مختلف، مجبور به تحلیل و ارزیابی اطلاعات و اتخاذ تصمیمات مشترک می‌شوند (Slavin, 2015). همچنین، تعاملات اجتماعی در گروه‌های یادگیری می‌تواند به بهبود مهارت‌های ارتباطی کمک کند، زیرا دانش‌آموزان در طول این تعاملات، فرصت دارند تا به تبادل نظر و بیان ایده‌های خود بپردازند و از بازخوردهای دیگران استفاده کنند.

با این حال، تعاملات اجتماعی در گروه‌های یادگیری ممکن است با چالش‌هایی نیز همراه باشد. به عنوان مثال، در برخی موارد، اختلافات شخصیتی یا تفاوت‌های فرهنگی میان اعضای گروه می‌تواند به تعارضات و کاهش همکاری منجر شود (Johnson & Johnson, 2009). این چالش‌ها نیازمند مدیریت مناسب و ایجاد محیط‌هایی است که در آن‌ها اعضای گروه احساس امنیت و حمایت کنند و بتوانند به طور مؤثر با یکدیگر همکاری کنند. در این راستا، نقش معلم به عنوان راهنما و تسهیل‌گر در ایجاد و حفظ تعاملات مثبت میان اعضای گروه بسیار مهم است.

نقش معلم در فرآیند یادگیری مشارکتی یکی از جنبه‌های اساسی نظریه ویگوتسکی است که تأثیر مستقیم بر توسعه مهارت‌های گروهی دارد. بر اساس نظریه ویگوتسکی، معلم به عنوان تسهیل‌گر و راهنما، نقش مهمی در هدایت و حمایت از دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری ایفا می‌کند (Rogoff, 2003). معلم در این نقش، به ایجاد محیط‌های یادگیری مشارکتی کمک می‌کند و با ارائه راهنمایی‌ها و بازخوردهای مناسب، دانش‌آموزان را در منطقه تقریبی توسعه (ZPD) هدایت می‌کند تا به تدریج به سطح بالاتری از یادگیری دست یابند.

یکی از وظایف اصلی معلم در یادگیری مشارکتی، ایجاد محیط‌هایی است که در آن دانش‌آموزان احساس امنیت و اعتماد به نفس کنند تا به طور فعال در فعالیت‌های گروهی شرکت کنند. این امر نیازمند آن است که معلم به دقت نیازها و توانایی‌های فردی هر دانش‌آموز را شناسایی کند و فرآیند یادگیری را با توجه به این نیازها و توانایی‌ها تطبیق دهد (Gillies, 2016). به عنوان مثال، معلم می‌تواند با فراهم کردن فرصت‌هایی برای مشارکت همه اعضای گروه و حمایت از دانش‌آموزانی که ممکن است در فعالیت‌های گروهی کمتر فعال باشند، به افزایش مشارکت و همکاری در گروه کمک کند.

علاوه بر این، معلم به عنوان تسهیل‌گر، نقش کلیدی در مدیریت تعارضات و اختلافات میان اعضای گروه ایفا می‌کند. در مواردی که اختلافات شخصیتی یا تفاوت‌های فرهنگی منجر به تعارضات در گروه می‌شود، معلم می‌تواند با استفاده از روش‌های مدیریت تعارض، به حل این مشکلات و بازگرداندن تمرکز گروه بر اهداف یادگیری کمک کند (Smith et al., 2018). این نقش نیازمند آن است که معلم از مهارت‌های ارتباطی و مدیریت تعارض برخوردار باشد و بتواند به طور مؤثر با دانش‌آموزان در تعامل باشد.

نهایتاً، معلم با ارائه بازخوردهای سازنده و مستمر، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا عملکرد خود را در گروه ارزیابی کنند و به بهبود مهارت‌های خود بپردازند. این بازخوردها می‌تواند شامل تشویق دانش‌آموزان به تفکر انتقادی، تحلیل عملکرد گروهی و پیشنهادهای برای بهبود فرآیند همکاری باشد. به عنوان مثال، مطالعه‌ای که توسط احمدی (۱۳۹۷) انجام شده است، نشان می‌دهد که بازخوردهای معلمان در فرآیند یادگیری مشارکتی می‌تواند بهبود قابل توجهی در مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان ایجاد کند.

منطقه تقریبی توسعه (ZPD) یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی است که نقش مهمی در توسعه مهارت‌های گروهی ایفا می‌کند. ZPD به فاصله‌ای اشاره دارد که بین توانایی‌های فعلی فرد و توانایی‌هایی که می‌تواند با کمک دیگران به دست آورد، وجود دارد (Vygotsky, 1978). این مفهوم نشان‌دهنده این است که یادگیری در جایی رخ می‌دهد که فرد با چالش‌های جدیدی مواجه می‌شود که نیاز به کمک و راهنمایی دیگران دارد. در زمینه یادگیری گروهی، ZPD به عنوان یک ابزار قدرتمند برای توسعه مهارت‌های گروهی عمل می‌کند.

در فعالیت‌های گروهی، دانش‌آموزان با همکاری و تبادل نظر با یکدیگر، می‌توانند در ZPD خود کار کنند و از طریق حمایت و راهنمایی هم‌گروهی‌ها، مهارت‌های جدیدی کسب کنند. به عنوان مثال، در یک پروژه گروهی، هر عضو گروه می‌تواند با ارائه نظرات و پیشنهادات خود، به دیگر اعضا کمک کند تا به درک بهتری از مسئله مورد نظر برسند و راه‌حل‌های مؤثرتری ارائه دهند (Kozulin,

(2003). این فرآیند نه تنها به توسعه مهارت‌های گروهی مانند همکاری و تصمیم‌گیری مشترک کمک می‌کند، بلکه به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که از طریق تجربه عملی، دانش و مهارت‌های خود را گسترش دهند.

یکی از جنبه‌های مهم ZPD در یادگیری گروهی، این است که هر دانش‌آموز می‌تواند در نقش‌های مختلفی در گروه قرار گیرد و از طریق همکاری با دیگران، مهارت‌های خود را در زمینه‌های مختلف بهبود بخشد. به عنوان مثال، یک دانش‌آموز ممکن است در زمینه حل مسئله قوی باشد و بتواند به دیگر اعضای گروه کمک کند تا راه‌حل‌های بهتری ارائه دهند. در مقابل، همان دانش‌آموز ممکن است در زمینه ارتباطات نیاز به حمایت داشته باشد و از طریق تعامل با دیگر اعضای گروه، مهارت‌های ارتباطی خود را تقویت کند (Rogoff, 2003).

استفاده مؤثر از ZPD در یادگیری گروهی نیازمند مدیریت دقیق فرآیند یادگیری و ایجاد محیط‌هایی است که در آن دانش‌آموزان بتوانند به طور فعال در فعالیت‌های گروهی شرکت کنند و از حمایت و راهنمایی دیگران بهره‌مند شوند. معلم در این فرآیند نقش مهمی ایفا می‌کند، زیرا او می‌تواند با شناسایی ZPD هر دانش‌آموز و تنظیم فعالیت‌های گروهی به گونه‌ای که این مناطق به چالش کشیده شوند، به توسعه مهارت‌های گروهی کمک کند (Gillies, 2016). این امر نیازمند آن است که معلم با دقت به نیازها و توانایی‌های فردی هر دانش‌آموز توجه کند و فرآیند یادگیری را با توجه به این نیازها و توانایی‌ها تنظیم کند.

به طور کلی، مفهوم ZPD به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در نظریه یادگیری مشارکتی و ویگوتسکی، نقش مهمی در توسعه مهارت‌های گروهی ایفا می‌کند. این مفهوم نشان‌دهنده این است که یادگیری مؤثر و توسعه مهارت‌های گروهی در جایی رخ می‌دهد که فرد با چالش‌های جدیدی مواجه می‌شود که نیاز به کمک و حمایت دیگران دارد. این دیدگاه بر اهمیت تعاملات اجتماعی و همکاری در فرآیند یادگیری تأکید دارد و نشان می‌دهد که یادگیری گروهی می‌تواند به توسعه مهارت‌های گروهی و فردی دانش‌آموزان کمک کند.

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی به بررسی تأثیر نظریه یادگیری مشارکتی و ویگوتسکی بر مهارت‌های گروهی پرداخته‌اند که هر کدام جنبه‌های مختلفی از این نظریه را تحلیل کرده‌اند. برای مثال، تحقیقاتی که توسط جانسون و جانسون (۲۰۰۹) انجام شده، تأثیر تعاملات اجتماعی بر توسعه مهارت‌های گروهی را از منظر نظریه ویگوتسکی مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که تعاملات اجتماعی و مشارکت فعال در گروه‌ها، می‌تواند بهبود قابل توجهی در مهارت‌های همکاری و حل مسئله ایجاد کند. این مطالعه تأکید دارد که استفاده از محیط‌های یادگیری مشارکتی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا در محیط‌های گروهی بهتر عمل کنند و ارتباطات مؤثرتری برقرار نمایند.

در مطالعات داخلی، پژوهش‌هایی مانند تحقیق حسینی و همکاران (۱۳۹۸) نیز به بررسی تأثیر نظریه ویگوتسکی بر توسعه مهارت‌های گروهی در دانش‌آموزان ایرانی پرداخته است. این پژوهش نشان داد که استفاده از رویکردهای مشارکتی و تأکید بر تعاملات

اجتماعی می‌تواند بهبود قابل ملاحظه‌ای در مهارت‌های گروهی از جمله توانایی همکاری و مدیریت تعارض در دانش‌آموزان ایجاد کند. در این تحقیق، تأکید بر نقش معلم به عنوان تسهیل‌گر نیز به عنوان یک عامل کلیدی در تسریع فرآیند یادگیری گروهی شناسایی شد. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی مانند تحقیق احمدی (۱۳۹۷) به بررسی نقش بازخورد معلمان در فرآیند یادگیری مشارکتی پرداخته‌اند. این مطالعه نشان داد که بازخوردهای سازنده معلمان می‌تواند به بهبود عملکرد دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی و تقویت مهارت‌های گروهی آنها منجر شود. این پژوهش به ویژه به اهمیت بازخوردهای مداوم و هدفمند در فرآیند یادگیری اشاره دارد که می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا نقاط ضعف خود را شناسایی کرده و در جهت بهبود آنها گام بردارند.

علاوه بر این، تحقیقات انجام شده توسط اسدی (۱۳۹۶) نیز نشان داده است که استفاده از محیط‌های یادگیری مشارکتی بر اساس نظریه ویگوتسکی می‌تواند به توسعه مهارت‌های ارتباطی و همکاری در دانش‌آموزان کمک کند. این مطالعه به تأثیر مثبت تعاملات اجتماعی در گروه‌های یادگیری اشاره دارد و نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که در این نوع محیط‌ها شرکت می‌کنند، بهبود قابل ملاحظه‌ای در مهارت‌های ارتباطی خود نشان می‌دهند.

مطالعات پیشین در بررسی تأثیر نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی بر مهارت‌های گروهی، از نقاط قوت و ضعف متعددی برخوردار بوده‌اند. یکی از نقاط قوت اصلی این مطالعات، تأکید بر نقش تعاملات اجتماعی و محیط‌های یادگیری مشارکتی است که به عنوان عوامل کلیدی در توسعه مهارت‌های گروهی شناسایی شده‌اند. این مطالعات با ارائه شواهد تجربی، نشان داده‌اند که رویکردهای مشارکتی می‌توانند بهبود قابل ملاحظه‌ای در مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان ایجاد کنند. همچنین، این تحقیقات بر اهمیت نقش معلم به عنوان تسهیل‌گر در فرآیند یادگیری تأکید کرده‌اند و نشان داده‌اند که معلمان می‌توانند با ارائه بازخوردهای مناسب و هدایت فعالیت‌های گروهی، به توسعه مهارت‌های گروهی کمک کنند (Rogoff, 2003).

اما از سوی دیگر، این مطالعات دارای محدودیت‌هایی نیز بوده‌اند. به عنوان مثال، بسیاری از این تحقیقات تنها به بررسی جنبه‌های خاصی از نظریه ویگوتسکی پرداخته‌اند و به تحلیل جامع‌تری از این نظریه در زمینه‌های مختلف نپرداخته‌اند. همچنین، برخی از این مطالعات به دلیل استفاده از نمونه‌های کوچک و محدود، قابل تعمیم به جمعیت‌های بزرگتر نیستند. علاوه بر این، نیاز به تحقیقات بیشتری وجود دارد که تأثیرات درازمدت استفاده از روش‌های یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های گروهی را بررسی کنند، زیرا بسیاری از مطالعات تنها به بررسی تأثیرات کوتاه‌مدت پرداخته‌اند (Smith et al., 2018).

در مقایسه با مطالعه حاضر، مطالعات پیشین بیشتر به بررسی تأثیرات کلی نظریه ویگوتسکی بر مهارت‌های گروهی پرداخته‌اند و کمتر به تحلیل دقیق و جزئیات این تأثیرات در زمینه‌های مختلف آموزشی پرداخته‌اند. این مطالعه تلاش می‌کند تا با ارائه یک تحلیل جامع‌تر و بررسی دقیق‌تر مفاهیم کلیدی نظریه ویگوتسکی، به درک بهتری از چگونگی تأثیرگذاری این نظریه بر توسعه مهارت‌های گروهی دست یابد. همچنین، این تحقیق به بررسی نقاط ضعف و چالش‌های موجود در مطالعات قبلی پرداخته و سعی دارد تا با ارائه پیشنهادات عملی و کاربردی، به بهبود فرآیند یادگیری مشارکتی و توسعه مهارت‌های گروهی کمک کند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، به تحلیل تأثیر نظریه یادگیری مشارکتی و ویگوتسکی بر توسعه مهارت‌های گروهی پرداخته شد. یافته‌های حاصل از تحلیل توصیفی نشان داد که تعاملات اجتماعی و همکاری در گروه‌ها نقش مهمی در توسعه مهارت‌های گروهی ایفا می‌کنند. همچنین، نقش معلم به عنوان تسهیل‌گر در فرآیند یادگیری مشارکتی به عنوان یکی از عوامل کلیدی در بهبود مهارت‌های گروهی شناسایی شد. بررسی مفهوم منطقه تقریبی توسعه (ZPD) نیز نشان داد که این مفهوم می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر در توسعه مهارت‌های گروهی و فردی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد (Daniels, 2001).

یافته‌های این مطالعه تأثیرات عملی و کاربردی مهمی برای معلمان، مربیان و طراحان برنامه‌های آموزشی دارد. اولاً، این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های یادگیری مشارکتی می‌تواند به بهبود مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان کمک کند. بنابراین، توصیه می‌شود که معلمان و مربیان از این رویکردها در طراحی برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های گروهی استفاده کنند. ثانیاً، نقش معلم به عنوان تسهیل‌گر در فرآیند یادگیری مشارکتی تأکید شده است، بنابراین معلمان باید توجه ویژه‌ای به هدایت و حمایت از دانش‌آموزان در این فرآیند داشته باشند و با ارائه بازخوردهای سازنده، به بهبود عملکرد گروهی کمک کنند (Gillies, 2016).

با توجه به محدودیت‌های موجود در مطالعات پیشین و نتایج حاصل از این تحقیق، پیشنهادهای برای پژوهش‌های آینده ارائه می‌شود. اولاً، نیاز به تحقیقات بیشتری در زمینه بررسی تأثیرات درازمدت استفاده از روش‌های یادگیری مشارکتی بر توسعه مهارت‌های گروهی وجود دارد. همچنین، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده به بررسی تأثیر این رویکردها در زمینه‌های مختلف آموزشی و فرهنگی بپردازند تا بتوانند به نتایج جامع‌تری دست یابند. در نهایت، تحقیقات بیشتری در زمینه بررسی چالش‌ها و موانع استفاده از روش‌های یادگیری مشارکتی و ارائه راهکارهایی برای رفع این موانع ضروری است (Rogoff, 2003).

نظریه یادگیری مشارکتی ویگوتسکی به عنوان یکی از نظریه‌های مهم در زمینه آموزش و یادگیری، تأثیرات قابل توجهی بر توسعه مهارت‌های گروهی دارد. این نظریه با تأکید بر تعاملات اجتماعی و نقش معلم به عنوان تسهیل‌گر، یک چارچوب نظری قوی برای درک و تحلیل فرآیند یادگیری در محیط‌های گروهی ارائه می‌دهد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های یادگیری مشارکتی می‌تواند به بهبود مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان کمک کند و مربیان باید از این روش‌ها در برنامه‌های آموزشی خود بهره‌برداری کنند. در نهایت، این تحقیق به اهمیت استفاده از مفاهیم نظریه ویگوتسکی در فرآیند یادگیری و توسعه مهارت‌های گروهی تأکید دارد و پیشنهادهای برای بهبود این فرآیندها در آینده ارائه می‌دهد.

- احمدی، م. (۱۳۹۷). بررسی نقش بازخورد معلمان در بهبود مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان. مجله پژوهش‌های تربیتی، ۱۰(۲)، ۷۸-۹۲.
- اسدی، ر. (۱۳۹۶). تأثیر استفاده از روش‌های یادگیری مشارکتی بر توسعه مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۱۱(۱)، ۳۷-۲۳.
- حسینی، س.، و احمدیان، م. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر تعاملات اجتماعی بر توسعه مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان. فصلنامه مطالعات تربیتی، ۱۲(۳)، ۶۰-۴۵.
- صالحی، ف. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر توسعه مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان. فصلنامه مطالعات تربیتی، ۱۴(۲)، ۷۱-۵۴.
- سعیدی، ن. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر روش‌های یادگیری مشارکتی بر حل مسئله و مدیریت تعارض در گروه‌های دانش‌آموزی. فصلنامه مطالعات تربیتی، ۱۳(۱)، ۸۱-۶۷.

Daniels, H. (2001). *Vygotsky and Pedagogy*. Routledge.

Daniels, H. (2008). *Vygotsky and research*. Routledge.

Gillies, R. M. (2016). Cooperative learning: Review of research and practice. *Australian Journal of Teacher Education*, 41(3), 39-54.

Johnson, D. W., & Johnson, R. T. (2009). An educational psychology success story: Social interdependence theory and cooperative learning. *Educational Researcher*, 38(5), 365-379.

Kozulin, A. (2003). *Vygotsky's educational theory in cultural context*. Cambridge University Press.

Moll, L. C. (2014). *L.S. Vygotsky and education*. Routledge.

Rogoff, B. (2003). *The cultural nature of human development*. Oxford University Press.

Salas, E., Reyes, D. L., & McDaniel, S. H. (2018). The science of teamwork: Progress, reflections, and the road ahead. *American Psychologist*, 73(4), 593-600.

Slavin, R. E. (2015). Cooperative learning in elementary schools. *Education 3-13*, 43(1), 5-14.

Smith, H., Sheppard, S., Johnson, D., & Johnson, R. (2018). Pedagogies of engagement: Classroom-based practices. *Journal of Engineering Education*, 94(1), 87-101.

Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society: The development of higher psychological processes*. Harvard University Press.

Analysis of the Impact of Vygotsky's Collaborative Learning Theory on the Development of Group Skills

1. Omid Khosravizadeh*: Department of Educational Planning, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

This study examines the impact of Vygotsky's collaborative learning theory on the development of group skills among students. Vygotsky's theory emphasizes the role of social interactions and the teacher's role as a facilitator in the learning process, highlighting the importance of the Zone of Proximal Development (ZPD) in promoting effective learning. Through a descriptive analysis, the study explores how social interactions and collaborative activities within groups contribute to the enhancement of group skills such as communication, problem-solving, and conflict management. The role of the teacher in guiding and supporting students within their ZPD is also analyzed, revealing that targeted feedback and constructive support can significantly improve group dynamics and skills. The findings underscore the practical implications of using collaborative learning strategies in educational settings, suggesting that these approaches not only foster individual development but also enhance collective skills essential for success in both academic and professional environments. This study also identifies gaps in previous research and offers recommendations for future studies to explore the long-term effects of collaborative learning on group skills development.

Keywords: Vygotsky, Collaborative Learning, Group Skills, Social Interactions, Zone of Proximal Development, Teacher's Role
